

## تحلیلی بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه راهبردی خلیج فارس

محمود نظرنیا<sup>۱</sup>

دکتر فضل‌الله اسمعیلی<sup>۲</sup>

مهدی خداداد<sup>۳</sup>

### چکیده

### مقدمه و بیان مسئله

منطقه خلیج فارس هم از لحاظ منابع انرژی و هم از لحاظ اینکه گذرگاهی استراتژیک برای صادرات و واردات کشورهای منطقه است از اهمیت بالایی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین کشورهای منطقه خلیج فارس است. اقتصاد ایران نیز مانند سایر کشورهای این منطقه متکی بر نفت و مبادلات تجاری و اقتصادی در منطقه است. بنابراین امنیت منطقه خلیج فارس از اولویتهای اساسی جمهوری اسلامی ایران میباشد. اساساً امنیت کشورهای هر منطقه‌یی از امنیت آن منطقه تفکیک‌ناپذیر است و امنیت منافع قدرتهای فرامنطقه‌یی ذی‌نفوذ در هر منطقه نیز با امنیت و ترتیبات امنیتی آن منطقه ارتباط نزدیک دارد. از اینروست که امنیت مناطق استراتژیکمانند خلیج فارس، از مسائل اساسی بین‌المللی، منطقه‌یی و ملی کشورهای منطقه بشمار می‌آید. بر این اساس، همواره کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌یی در خلیج فارس کوشیده‌اند تا ترتیباتی را در منطقه ایجاد و مستقر سازند که بر مبنای آن امنیت و منافع آنها را تأمین نماید (قاسمی و سرابی، ۱۳۹۳: ۳۲). از زمان پایان جنگ جهانی دوم، منطقه خلیج فارس همواره جزء اولویتهای سیاستهای امنیتی آمریکا بوده است. مهمترین دلیل اهمیت امنیتی این منطقه برای آمریکا این است که منبعی ایمن و مستمر برای تأمین نفت مورد نیاز آن میباشد (Mohd, 2001: 197). الگوی امنیت در خلیج فارس، بعنوان یکی از دو زیرمجموعه اصلی امنیتی خاورمیانه، تأثیری مستقیم بر امنیت کشورمان دارد. امنیت جزء اولین اولویتهای هر کشور است و ایران در راه تأمین این اولویت

امنیت خلیج فارس همواره یکی از دغدغه‌های کشورهای حاشیه و منطقه آن بوده است. اگر به نقش دولتهای منطقه خلیج فارس توجه کنیم متوجه خواهیم شد که کشورهای این منطقه بدنبال کسب منافع اقتصادی، ایجاد زمینه‌های بقا و دوام و منافع ملی خود هستند و از سوی دیگر، خرید و فروش قابل توجه ابزارهای تسلیحاتی بعنوان یک عنصر تحریک‌کننده و خطرناک بر ویژگیهای ناامنی این منطقه افزوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز بعنوان بازیگر و در نقش رهبریت منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در تلاش است تا با ارائه الگوهای استراتژیک با توجه به نقش ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه از چالشهای پیش روی آن با سربلندی عبور نماید. بدینسان در نوشتار حاضر سعی شده، ضمن شناسایی چالشهای امنیتی و نقش مؤثر کشورها در ایجاد این چالشها، راههای برون‌رفت و ایجاد یک مدیریت یکپارچه امنیتی مورد بررسی قرار گیرد.

### کلیدواژگان

خلیج فارس؛ ایران؛ امنیت منطقه‌یی؛ جمهوری اسلامی

ایران

۱. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (نویسنده

مسئول)؛ m.nazarniya94@gmail.com

۲. استاد جغرافیای انسانی دانشگاه پیام نور تهران؛ saheld86@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گلستان؛ khodadadmehdi91@yahoo.com

موجب شد این مفهوم کارایی بیشتری پیدا کند. بوزان<sup>۱</sup> که رهیافت مفهومی وسیعی از مسئله امنیت ارائه میدهد، اصطلاح «امنیت» را یک مفهوم توسعه نیافته تلقی میکند. کتاب باری بوزان منبع معروفی برای اغلب مباحث مربوط به بحث «امنیت» در روابط بین‌الملل است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵). وی در کتاب خود، پنج دلیل برای عقب‌ماندگی مفهوم «امنیت» ارائه میدهد که چرا مفهوم امنیت مورد غفلت واقع شده است. بنظر او، تأکید صرف بر مقوله «امنیت ملی»، کافی نیست. در مجموعه روابط بین‌الملل، مهمترین نهادها کشورها هستند، اما دولتها خود میتوانند منشأ تهدید نسبت به موضوعات خود باشند که اغلب تحت عنوان «امنیت» توجیه میشوند. بنابراین، «امنیت» مفهومی است در معرض برداشتهای مختلف. بدلیل آنکه اصولاً سیاست‌سازان و نظریه‌پردازان سیاسی «امنیت» را با توجه قدرت ملی تعریف میکنند، نوعی وحدت‌نظر نامناسب رایج گشته است. برخی از محققان هم که بیشتر به مقوله امنیت پرداخته‌اند، اسیر بحثهای مبتنی بر قدرت گردیده‌اند. عبارت دیگر، «امنیت» همان معنا و مفهومی را پیدا میکند که گوینده قصد دارد آن را تعبیر کند. جایگاه امنیت بعنوان یک ارزش سیاسی بحث‌انگیز و استعمال نامناسب آن، این اصل را به اثبات رسانده است که باید درباره‌اش تحقیقات دانشگاهی ژرف و عمیقی بعمل آید. در نتیجه، «امنیت» در عبارت باری بوزان، مفهومی واضحتر و عمیقتر از شأن و منزلت کنونی آن پیدا میکند (خانی، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

#### موقعیت راهبردی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی مهم دنیا محسوب میشود. البته این امر مسئله جدیدی نیست، بلکه از قرن‌ها قبل امری شناخته شده و مورد قبول همگان بوده است. در قرون اخیر، خلیج فارس شاهد حضور و تسلط دولت استعماری انگلیس و نیز تداوم سیاستهای دیرینه و استعماری روسهای تزاری برای دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس بوده که همگی حاکی از اهمیت ویژه و راهبردی این منطقه میباشد (هالیس، ۱۳۷۲: ۸۰). یکی از دلایل اهمیت راهبردی خلیج فارس وجود تنگه هرمز است. «تنگه هرمز» گذرگاهی

همواره اهتمام داشته و از آنجا که از امکان ائتلافهای پایدار با همسایگان محروم بوده، رویکردهای واقع‌گرایانه خودیاری و تلاش برای موازنه قوا، موازنه تهدید و ائتلاف با قدرتهای فرمانطقه‌یی، بدیل‌های ایران برای عملی ساختن این اهتمام بوده است (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۳۲). موضوع استراتژیکی حوزه خلیج فارس در مورد ایران، امنیت منطقه‌یی و امنیت دسته جمعی است که برای ما اهمیتی حیاتی دارد. محیط امن زمینه‌ساز توسعه و محیط ناامن باعث عقب‌ماندگی است. در عین حال توسعه عامل اساسی در امنیت محیط و امنیت ملی بشمار میرود. بنابراین مسئله امنیت در خلیج فارس از موضوعات استراتژیکی است که ایران در منطقه با آن روبرو است (پیری‌سارمانلو، ۱۳۹۵: ۲). با توجه به مباحث مذکور، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی با تکیه بر مطالعات اسنادی به بررسی اهمیت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تحقق امنیت منطقه راهبردی خلیج فارس پرداخته است.

#### مبانی نظری تحقیق

تعریف فرهنگهای لغات از «امنیت»، عبارت است از در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. همچنین «امنیت» عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناسکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت بصورت وسیع، در مفهومی بکار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره میکند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۴). از سوی دیگر، امنیت پدیده‌یی متأثر از مؤلفه‌های مادی - ذهنی بشمار می‌آید که دیگر چنان دوران جنگ سرد، نمیتوان آن را ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود (اردی‌مکین لای، ۱۳۸۱: ۵۹). عناصر اصلی که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده میگردند، ارزشها، خطرات یا تهدیدات هستند. هم ارزشهای عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالاً به رهیافت امنیت جمعی در میان کشورهای مستقل منجر میگردند. واژه «امنیت» ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا متداول گردید. سپس تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد،

حساسیت خلیج فارس، برای توازن اقتصادی جهان در آینده، ایجاب میکند تا امنیت این شاهراه مهم از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. خلیج فارس منطقه‌یی است که شریان حیات غرب، یعنی نفت از آن عبور میکند. بیش از ۲۵٪ عرضه نفت جهان از این منطقه میگذرد. از اینرو، این منطقه برای نظام سرمایه‌داری و در رأس آن آمریکا، حایز اهمیت حیاتی است (نعیمی‌ارفع، ۱۳۷۰: ۵۴).

### اهمیت جهانی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس شامل هشت کشور ایران، عراق، عربستان، کویت، امارات، قطر، عمان و بحرین میباشد. تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای ساحلی خلیج فارس قرار دارد و برغم مخاطرات آشکار و جنگ خلیج فارس، تقاضا برای انرژی این منطقه رو به افزایش بوده که علت آن برخورداری منطقه از نفت و گاز فراوان و هزینه پایین استخراج آن و همچنین وجود مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل دریایی میباشد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۹۰). موقعیت جغرافیایی خلیج فارس که مرکز ارتباطی دریای مدیترانه و دریای سرخ و اقیانوس هند و کبیر و اطلس را تشکیل میدهد، در کنار جمعیت بالای ۱۰۰ میلیونی منطقه که بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی میباشد، جاذبه‌های زیادی برای کشورهای مختلف دارد و بویژه قدرتهای بزرگ علاقه زیادی برای نفوذ و تسلط بر این منطقه از خود نشان میدهند (فرجی و مختاری، ۱۳۸۶: ۷).

### تأمین امنیت منطقه‌یی در چارچوب سیستم امنیت دسته‌جمعی

اکنون و پس از تعیین خلیج فارس بعنوان یک مجموعه، برای تنظیم روابط امنیتی میان کشورهای عضو از یکسو و مقابله با تهدیدات و چالشهای درون و برون منطقه‌یی از سوی دیگر، به یک سیستم امنیتی کارآمد نیاز است. بنابراین فارغ از هرگونه برداشت و ادراکی از سوی کشورهای عضو مجموعه، تعامل و همکاری آنها در چارچوب یک نظم امنیتی بیش از آنکه تابع اراده و خواست آنها باشد، برخاسته از یک ضرورت و نیاز مشترک خواهد بود. بر این اساس، کشورهای

هلالی شکل است که خلیج فارس را به دریای عمان متصل میکند. این تنگه یکی از مهمترین تنگه‌ها در بین یازده تنگه مهم دنیاست که برای قدرتهای بزرگ اهمیت اقتصادی و راهبردی زیادی دارد (اسدیان، ۱۳۸۱: ۲۷). اهمیت عرض کم تنگه هرمز از این جهت است که در طول سه کیلومتر مسافتی که عرض تنگه بین ۲۱ تا ۲۴ مایل دریایی متغیر است، بخشی از عرض آبهای ساحلی در کشور ایران و عمان بر روی هم منطبق میشود و بنابراین، در فاصله بین آنها دریای آزاد وجود ندارد. همین امر حساسیت ویژه‌یی را در امر کشتیرانی بین‌المللی در تنگه هرمز ایجاد کرده و مسئولیت سنگین امنیتی را بر دوش این دو کشور نهاده است. به همین دلیل دو کشور ایران و عمان از اهمیت راهبردی و جغرافیایی سیاسی ویژه‌یی برخوردارند، بگونه‌یی که دیوید نیوسام، معاون وزیر امور خارجه (وقت) آمریکا، در سال ۱۹۸۰ م در یک سخنرانی در دانشگاه «جرج تاون» بیان داشت:

اگر جهان دایره مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین میتوان گفت که مرکز آن خلیج فارس است. امروزه جایی در جهان به اهمیت این منطقه وجود ندارد که تمامی توجهات را به یک نقطه و با علایقی یک دست، همسان کند. در حال حاضر، برای ادامه سلامت اقتصادی و ثبات جهان، جایی به اهمیت این مرکز وجود ندارد (newsom, 1980: 59).

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۹۵۰۰ مایل مربع قریب به ۶۳٪ از کل ذخایر نفتی شناخته شده در جهان را در خود جای داده است. در حال حاضر، برغم اینکه جهان فقط برای حدود ۴۱٪ از مصارف نفتی خود، به خلیج فارس متکی است، ولی این وضعیت در حال تحول بوده و همانگونه که وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا اخیراً اعلام کرده است جهان به زودی برای تأمین ۶۵٪ نیازهای نفتی خود به خلیج فارس وابسته خواهد شد. این منطقه غیر از نفت، قریب به ۳۰٪ از ذخایر گاز جهان را نیز در خود جای داده که پس از روسیه، دومین منطقه از لحاظ میزان ذخایر گاز در جهان است. خلیج فارس با منابع طبیعی و معدنی فراوان خود، دیگر تنها بخاطر ایفای نقش ارتباط‌دهندگی یک بزرگراه تجاری میان شرق و غرب جهان اهمیت ندارد، بلکه در حال حاضر، یکی از دو سرانتهایی در معادلات اقتصادی جهان بشمار می‌آید. وضعیتی به این مهمی و موقعیتی راهبردی به

زمینه محسوب میشود. دخالت پررنگ عنصر خارجی در نظم منطقه‌ی خلیج فارس همواره یکی از مشکلات بی‌نظمی در سطح منطقه بوده است. تثبیت و حمایت بی‌حد و حصر رژیم شاه بعنوان ژاندارم منطقه نه تنها رقابت تسلیحاتی در منطقه، بلکه ریشه‌های بی‌اعتمادی بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس را افزایش داد. حمایت از صدام حسین در طول دهه ۱۹۸۰م، منجر به دست اندازی به کویت شد. در واقع حضور گسترده نظامی آمریکا در منطقه و ایجاد پایگاه‌های نظامی دائمی در عمق کشورهای منطقه موجب فاصله بین دولت‌ها و ملت‌ها شده است. این امر در قالب وابستگی سیاسی-امنیتی حکومتها به دولت آمریکا مطرح است که مشروعیت رژیمها را نزد ملت‌ها زیر سؤال برده است. از سوی دیگر، نوع و ماهیت تهدیدات امنیتی-سیاسی در منطقه در طول دهه گذشته در حال تغییر بوده است؛ بدین معنی که در گذشته عمده تهدیدات ناشی از رقابت‌های تسلیحاتی، وجود دو دستگیر، ائتلاف‌های نظامی و بطور کلی تهدیدات ناشی از رقابت و دشمنی دولت‌ها و بروز جنگ‌ها بوده که عمدتاً مبتنی بر تصور «تهدید خیالی» در چارچوب «منافع طرف سوم» استوار بوده است؛ بعنوان مثال، احساس تهدید امنیتی از ناحیه ایران در برداشت کشورهای حوزه خلیج فارس ناشی از یک تصور خیالی از تلاش ایران برای افزایش حضور مداخله‌گرایانه در مناطق جنوبی حوزه خلیج فارس است. این تصور در طول دهه ۱۹۹۰م با نقش و حضور آمریکا تقویت گردیده است. بتعبیر بعضی از تحلیلگران مسائل خاورمیانه، تثبیت قدرت صدام حسین بعد از جنگ ۱۹۹۱م توسط آمریکا، بدلیل زنده نگه داشتن تهدید عراق در منطقه و از آن طریق تقویت پایه‌های حضور نظامی، وابسته کردن حکومت‌های منطقه به آمریکا و همچنین فروش و ارسال تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه بوده است (برزگر، ۱۳۸۵).

### ایران و امنیت خلیج فارس

ایران در دوران پیش از انقلاب یکی از ستون‌های امنیتی منطقه در راستای تأمین منافع جهان غرب محسوب میشد و در الگوی سیاست واقع‌بینانه رقابتی و یا سیاست هژمونیک متکی بر اتحادیه‌های نظامی، در کنار کشورهای غربی و بویژه آمریکا قرار میگرفت. وجود چنین روابطی، اختلافات این کشور

این منطقه در یک سیستم امنیتی به هم پیوسته و بعنوان یک مجموعه، متأثر از وابستگی متقابل امنیتی میان هم‌دیگر بسر می‌برند. این امر بیش از هر چیز دیگر بیانگر این مسئله است که تنها راه مقابله با تهدیدات و چالش‌های موجود و نیز تأمین امنیت و حفظ ثبات در منطقه، استفاده از سازوکاری است که در آن تمامی اعضا با مشارکتی همه‌جانبه حضور داشته باشند. استفاده از سیستم امنیتی دسته‌جمعی این فرصت و امکان را در اختیار کشورهای منطقه قرار خواهد داد (McMillan, 2003: 161-163). الگوی پیشنهادی مبتنی بر مشارکت و همچنین مسئولیت امنیتی چندجانبه است. بر اساس این الگو به هر میزان، بازیگران منطقه‌ی در شکل‌بندی ساختار امنیت خلیج فارس نقش مؤثری داشته باشند، بی‌ثباتی‌های موجود کاهش یافته و زمینه برای ایجاد ثبات منطقه‌ی فراهم میگردد (متقی، ۱۳۸۷: ۷۵).

### نظام جدید امنیت منطقه‌ی خلیج فارس

بروز تحولات جدید، ضرورت شکلگیری یک نظام جدید امنیت منطقه‌ی در خلیج فارس را بر اساس واقعیات سیاسی، فرهنگی و امنیتی منطقه اجتناب‌ناپذیر ساخته است. این ضرورت بر سه اساس قرار دارد:

۱. افزایش اهمیت و نقش منطقه‌ی ایران

۲. خروج عراق از حالت یک بازیگر تهدیدگر

۳. تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی

با بروز تحولات جدید سیاسی در عراق و منطقه بی‌تردید جایگاه و اهمیت منطقه‌ی جمهوری اسلامی ایران افزایش پیدا کرده است. از اینرو جایگاه ایران در نظام امنیت منطقه‌ی باید براساس نقش جدید آن تعریف گردد. منطق افزایش نقش ایران بدلیل برخورداری از پایه‌های طبیعی قدرت بخصوص در جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و ژئوپولیتیک است که نادیده گرفتن آنها به ضرر نظام امنیت منطقه‌ی میباشد. در طول دو دهه گذشته، حضور قدرتهای خارجی (آمریکا) در اطراف مرزهای ایران و تهدید آن، تعادل طبیعی قدرت در سطح منطقه را به هم ریخته و منجر به فراهم شدن بی‌اعتمادی میان دولت‌ها شده است. روابط تنش‌آمیز ایران و عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس دو مثال آشکار در این

که بیشترین فایده و کمترین هزینه را برای منافع ملی خود در بر داشته باشد. تصویر روشنی از ترتیبات امنیتی جمعی میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس در آینده نزدیک وجود ندارد. بنابراین، ضروری است ایران در مورد ترتیبات امنیتی خلیج فارس بسوی امنیت مشارکت‌جویانه گام بردارد (مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، ۱۳۸۳).

### فرصتهای پیش روی ایران در همگرایی امنیتی منطقه‌یی

در صورت تحقق ترتیبات امنیتی بومی در منطقه خلیج فارس میتوان شاهد ایجاد فرصتهایی برای ایران در ابعاد مختلف بود که برخی از آنها عبارتند از:

- کمک به حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی
- خارج شدن قدرتهای فرامنطقه‌یی از منطقه
- برقراری روابط قابل قبول اقتصادی بین کشورهای منطقه
- تضمین امنیت منطقه هرمز
- افزایش قدرت کشورهای منطقه بر سر قیمت‌گذاری نفت و گاز
- همکاری کشورهای منطقه در زمینه مهار تروریسم
- کاهش هزینه‌های نظامی
- فروش آب به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس
- انتقال تجربیات مردم سالاری دینی به کشورهای منطقه
- ارتقاء وزن ژئوپولیتیک کشور
- جلب حمایت کشورهای منطقه از فعالیتهای صلح آمیز هسته‌یی (فرجی و مختاری، ۱۳۸۶: ۴-۱۲).

### شورای همکاری خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران

روابط جمهوری اسلامی ایران با شورای همکاری خلیج فارس به دو مقطع تقسیم میشود: مقطع جنگ تحمیلی و مقطع دوران پس از جنگ تحمیلی (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۷۷):

۱. **مقطع جنگ تحمیلی:** «شورای همکاری خلیج فارس» قریب به هشت ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۵ م.) توسط عراق و زمینگیر شدن نیروهای آن کشور در خاک ایران تأسیس شد. کشورهای عرب جنوب خلیج فارس از همان آغاز جنگ در راستای راهکار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهار انقلاب اسلامی و جلوگیری از بالندگی آن در منطقه قرار داشتند و کمکهایی ذی‌قیمتی را در

با کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس و عربستان را کمرنگ میکرد. ولی پس از انقلاب اسلامی ایران و خارج شدن این کشور از اردوگاه غرب بدون وارد شدن در اردوگاه دیگر، تحریک برخی از قدرتها سبب شد که اختلافات کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران امکان بروز بیشتری یابد و وجود همین اختلافات و احساس تهدید آنها از جانب ایران، آنها را کمابیش در جریان جنگ تحمیلی در کنار عراق قرار داد. این صفتبندی امنیت خلیج فارس را با مخاطرات جدی روبرو ساخت. کشورهای عرب منطقه، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند تا از میزان تهدیدات علیه خود بکاهند. از سوی دیگر، آنها به عراق کمک مالی کردند تا در جنگ علیه ایران توفیق یابد و خطر صدور انقلاب اسلامی به این کشورها از میان برود (فرجی و مختاری، ۱۳۸۶: ۱۱۵). ایران بعد از انقلاب اسلامی، سیاست مستقلی را از قطبهای دوگانه جهانی در پیش گرفت. بر همین اساس، منافع این کشور در تعارض با منافع هر دو قطب در خلیج فارس قرار گرفت؛ چراکه شوروی سابق میکوشید با عبور از افغانستان و سپس پاکستان خود را به خلیج فارس برساند و ایران شدیداً با این رویکرد مخالف بود و از طرف دیگر، آمریکا نیز در اواخر جنگ تحمیلی به یاری عراق و همچنین شورای همکاری خلیج فارس برخاسته و از هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران دریغ نمیکرد. با وجود این، تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، تهدیدات نظامی آمریکا علیه ایران محدود و در پوشش دفاع از کشتیهای نفتکش و جریان صدور نفت از خلیج فارس صورت میگرفت. ولی در دهه ۱۹۹۰ م، با خارج شدن اتحاد شوروی از عرصه رقابتهای بین‌المللی، تهدیدات آمریکا شکل عریانتری به خود گرفت و این کشور در سالهای اخیر با توسل به سیاست پیشگیرانه و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد به اشغال عراق پرداخت. آمریکا با استمرار حضور خود در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم، شرایط جدید امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران پدید آورده است. در حال حاضر، خلیج فارس از یک طرف بخاطر حضور نیروهای آمریکایی و از طرف دیگر، بدلیل چالشهایی که کشورهای عضو شورای همکاری بویژه امارات عربی متحده به آن دامن میزنند، برای منافع ایران از امنیت کافی برخوردار نیست. به این دلیل جمهوری اسلامی ایران نیز نگران ترتیبات امنیتی و در جستجوی الگویی است

حسن نیت خود را برای حل و فصل اختلافات نشان دهد و با تأکید بر پایبندی خویش به تفاهات فیما بین و حل اختلافات از طریق مذاکرات و گفتگوهای مسالمت‌آمیز، کشورهای منطقه را به منافع حیاتی‌شان در سایه ثبات و امنیت در منطقه متوجه نماید.

حال با توجه به سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حل و فصل اختلافات از راه مسالمت‌آمیز و پیگیری سیاست تنش‌زدایی و همکاری متقابل و طراحی نظام امنیت جدید در منطقه خلیج فارس مبنی بر نفی حضور بیگانگان در منطقه، ضرورت تبیین و بررسی اقدامات اعتمادسازی بیشتر احساس می‌گردد (باقری، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

### راه‌های برون رفت از اختلاف

#### اعتمادسازی و ضرورت آن

اعتمادسازی شامل اقدامات عملی است که بمنظور پدیدآوری رویه‌های همکاری به اجرا درمی‌آید. هدف آن ایجاد انگیزه در میان کشورهای دشمن در گذشته و یا کشورهای رقیب است، به اینکه همکاری ممکن بوده و بهتر از رویارویی می‌باشد. همچنین ابزارهای اعتمادسازی نشان داده‌اند که منافع ملی می‌تواند باز هم از راه همکاری با طرف دیگر، بجای مخالفت با آن، گسترش یابد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۸۰: ۷۲).

در علم سیاست و روابط بین‌الملل، شوق و علاقه شدید به جلوگیری از درگیری، منازعه و جنگ، ریشه در قرن نوزدهم دارد. براساس تعریفی که فرهنگهای لغت ارائه می‌دهند، «اعتماد» یعنی اطمینان فکری یا اعتقاد شدید به قابل اطمینان بودن دیگری و یا صداقت و واقعیت یک حقیقت. یکی از معروفترین تعاریفی که در خصوص اقدامات اعتمادسازی ارائه شده توسط یوهان هولست و کارن ملندر صورت گرفته است. براساس این تعریف، اعتمادسازی متضمن گواه معتبر از فقدان تهدیدات مخاطره‌انگیز است. تعاریف مشابهی در تبیین تدابیر اعتمادسازی توسط نویسندگان دیگری همچون کالونینز صورت گرفته است. بنظر وی، اقدامات اعتمادساز ممکن است بعنوان اقدامات سیاسی تعریف گردند که برای

اختیار عراق قرار دادند. با این مقدمه، میتوان به تشریح موضع عمومی شورا در قبال جنگ تحمیلی و شناخت استراتژی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران و در خصوص جنگ پرداخت. شورا با وجود گرایشهای فاحش بسمت عراق، در طول جنگ همواره از اینکه ایران یا عراق بعنوان یک قدرت مطلق در خلیج فارس از جنگ بیرون بیاید و موازنه قوا بین ایران و عراق بر هم بخورد و در نتیجه، منطقه تحت تأثیر سلطه یک قدرت واحد درآید، بیم داشت. از اینرو، این احتمال که شورا خواستار پیروزی کامل عراق بود، ضعیف مینماید. بطور خلاصه، میتوان راهکار شورای همکاری در قبال جنگ را اینگونه بیان کرد: شورا برغم جانبداری از عراق، تلاش داشت با نگهداشتن مخاصمات در سطحی قابل قبول از کشنده شدن آتش جنگ به شش کشور دیگر جلوگیری کند. در همان حال، خشنودی پنهانی در برخی از کشورهای شورا وجود داشت مبنی بر اینکه جنگ مادام که به کشورهای همسایه تعمیم نیافته است، ادامه یابد. جنگ تحمیلی بهترین فرصت را در اختیار عربستان قرار داد تا با تضعیف دو رقیب خود در منطقه، با تأسیس شورای همکاری بدون ایران و عراق، بیشترین استفاده را از جنگ ببرد (کردزمن، ۱۳۸۱: ۲۲). پس از فراز و نشیبهای زیادی که روابط ایران و شورای همکاری را در طول جنگ تحت الشعاع خود قرار داد، در سال ۱۳۶۷ هـ. ش، ایران قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل را پذیرفت. از این به بعد، مواضع ظاهری شورای همکاری در خصوص ایران و عراق به یک توازن نسبی رسید (بیانیة شورای همکاری خلیج فارس در سیزدهمین اجلاس سران، ۱۹۹۲).

### ۲. مقطع پس از جنگ تحمیلی: در این دوران، روابط

ایران و شورای همکاری تحت الشعاع ادعای ارضی امارات علیه جمهوری اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۱ هـ. ش اولین اجلاس سران شورا پس از طرح ادعاهای واهی امارات بر سر جزایر ایرانی برگزار گردید که اوج ادعاهای مربوط به جزایر نیز در آنجا مطرح شد (همانجا). جمهوری اسلامی ایران همواره با اعتقاد راسخ به اصول پایدار رعایت حسن همجواری و برقراری و توسعه روابط دوستانه با همسایگان خود، بمنظور بی‌اثر ساختن توطئه‌های مخالفان ثبات و امنیت پایدار در منطقه حیاتی خلیج فارس، در سالهای اخیر کوشیده است با پیروی از سیاست صبر و خویش‌تنداری و تنش‌زدایی و اعتمادسازی،

امنیت خلیج فارس از طریق استفاده از نیروی نظامی تأمین نخواهد شد (بیلیس، ۱۳۷۹: ۵۷)؛ چراکه شرایط کنونی منطقه با گذشته تفاوت قابل ملاحظه‌یی نموده است و صرف تقویت نیروهای نظامی نمیتواند ضامن امنیت کشورهای منطقه باشد. امروزه کشورهای منطقه باید از طریق افزایش امنیت در منطقه خلیج فارس بتوانند امنیت خود را بر پایه اعتماد متقابل، گسترش منافع و همکاری مشترک تأمین نمایند. با توجه به عواملی که در ذیل ذکر میشوند، میتوان به ضرورت و اهمیت اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس پی برد:

**اول:** اهمیت راهبردی نفت خلیج فارس در آینده نیز ادامه خواهد داشت. از اینرو، کشورهای صنعتی شیوه‌های لازم برای مهار جریان نفت را بکار خواهند بست. مجموعه مسائل حساس در مهمترین منطقه سیاسی جهان، بازار نفت را همچنان بصورت یک مرکز سیاست‌زده نگاه خواهد داشت. اعتماد متقابل کشورهای منطقه و افزایش سیاست‌های تنش‌زدایی بین دولت‌ها میتواند بعنوان مهمترین ابزار مقابله با این بحرانها تلقی شود. از سوی دیگر، کشورهای منطقه خلیج فارس با توجه به پیوستگی منافع برای بقا، پایداری و مقابله با خطرات، به ارتباط و اعتماد متقابل نیاز مبرم دارند.

**دوم:** با توجه به جهانی‌شدن اقتصاد، بنظر میرسد تهدیدها و جنگ‌های آتی جهان کمتر بخاطر تمدنها، بلکه بیشتر به سبب تعارض منافع گوناگون از جمله منافع اقتصادی صورت بگیرد (اسپوزیتو، ۱۳۶۷: ۳۱۴). از اینرو، چالش‌های سیاسی و امنیتی در جهان با ارتباط و وابستگی فزاینده‌یی که دارند، به شناخت منافع مختلف و مشترک منطقه خلیج فارس نیاز دارند.

پس هدف اقدامات اعتمادسازانه، تحول و دگرگونی چارچوب روابط معلوم و مشخصی است که در آن بدگمانی و سوءظن عمیق دوجانبه یا چندجانبه و نگرشی تردیدآمیز نسبت به دیگران وجود ندارد. میتوان گفت اقدامات اعتمادسازانه ایران دارای چهار نقش مکمل هستند:

- نقش آموزشی؛ تا از این طریق، کشورها با یکدیگر آشنا شوند و درک متقابل در منطقه پدید آید.

- نهادینه کردن مجرای گفتگو میان ایران و کشورهای منطقه و کمک به مدیریت بحران

افزایش اطمینان در نظام‌های دفاعی نیروهای نظامی صورت میپذیرند (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۹۵). ایجاد صلح و ثبات و اجتناب از جنگ قانع‌کننده‌ترین دلیلی است که محققان روابط بین‌الملل اعتمادسازی آن را بعنوان یک اهمیت و ضرورت بیان کرده‌اند. فریدمن در بیان ضرورت اعتمادسازی میگوید: «ارزش اصلی تدابیر اعتمادسازی ممکن است در روند واقعی اعتمادسازی در زمان صلح باشد که به آرام شدن تنشها کمک میکند، بگونه‌یی که احتمال ایجاد بحرانهای جدی را از میان میبرد» (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۱).

اعتمادسازی به مجموعه اقدام‌های عملی اطلاق میشود که بدلیل ایجاد فضای همکاری، کاربرد پیدا میکند و منظور از آن ایجاد نوعی حس همکاری بین طرفین با درک این مطلب است که همکاری امکانپذیر بوده و بهتر از رویارویی است. این تدابیر همچنین موجب این درک متقابل میشوند که منافع ملی را میتوان از طریق همکاری و نه از طریق رویارویی ارتقا بخشید و از برخورد ناخواسته و تصادفی دو طرف ممانعت بعمل آورد. بعلاوه، اقدامات اعتمادسازانه تعامل انسانی را امکانپذیر میسازد و کمک میکند تا دشمن را بشناسیم و به دیدگاه او پی ببریم و این درک متقابل را فراهم می‌آورد که این اقدامها در نهایت میتوانند تنشها را کاهش دهند. یوهان هولست معتقد است اقدامات اعتمادسازی ممکن است بعنوان ترتیبیاتی بمنظور ارتقای اطمینان فکری و اعتماد به قابل اطمینان بودن کشورها تعبیر گردد (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۲۸) به بیان دیگر، نیاز مبرم به اعتمادسازی نشانگر آن است که مشکل امنیتی وجود دارد. اعتمادسازی به کشورهای منطقه خلیج فارس کمک میکند تا بر موانع سیاسی و روانی عدم اعتماد و سوءظن موجود غلبه نمایند و یک هدف مشترک را تحقق بخشند. اقدامات اعتمادسازانه میتواند کمک‌های مهمی به ترویج نگرش همکاری امنیتی در میان هر یک از دولتهای منطقه بنماید. همچنین این اقدامات میتواند با نهادینه کردن مجرای گفتگو و با مدیریت بحران و جلوگیری از منازعه، موجب ایجاد ثبات هرچه بیشتر در منطقه گردد و در نهایت اقدامات اعتمادسازانه میتواند بعنوان نشانه همکاری منطقه‌یی بکار رود و موجب هر چه بیشتر شدن تنش‌زدایی و اختلاف بین کشورهای منطقه خلیج فارس گردد. واقعیت این است که

۹. الگوی اعتمادسازی در زمینه هوانوردی
۱۰. الگوی اعتمادسازی در زمینه حقوق بشر
۱۱. راهکارها و پیشنهادهایی در جهت ایجاد وحدت و تأمین امنیت پایدار

موفقیت یا شکست هرگونه ترتیبات امنیتی خلیج فارس بطور وسیع بستگی به ساختار، اهداف و چگونگی تعامل اعضا با یکدیگر و سازوکارهایی دارد که برای تأمین امنیت منطقه‌یی از آنها استفاده میکنند، در اینجا مواردی را بر می‌شماریم:

۱. اسلام بعنوان ایدئولوژی حاکم بر ملت‌های منطقه، باید حامل پیام وحدت‌آفرین باشد. از تعصبات خشک باید دوری جست و از این طریق، از رقابت ایدئولوژیک و جنگ سرد اسلامی اعراض نمود و کانون تشنج را از بین برد.

۲. ایجاد روابط برادرانه بین کشورهای مسلمان منطقه و عدم گرایش به «پان»‌های مختلف و رفع تمایزات بین عرب و فارس و اقدام به احساسات‌زدایی از جمله موارد سیاست خارجی کشورهای منطقه است. همچنین تأکید بر این موضوع که تأمین منافع ملی همه در گرو مسالمت، صلح و همزیستی دسته جمعی است.

۳. ایجاد روابط برابر و بدون اهداف چیرگی و رقابت‌آمیز، که تا کنون مورد بهره‌برداری کشورهای ذی‌نفوذ در منطقه - مانند آمریکا، انگلستان و اسرائیل - بوده است.

۴. زدودن ذهنیتهای منفی تاریخی و قبولاندن این موضوع که هیچیک از کشورها هرگز قصد سلطه بر منطقه را ندارد و این مسئله صرفاً مسئله تبلیغاتی کشورهای غربی، بویژه آمریکا است. در این زمینه، باید دشمن اصلی و دیرینه و مشترک دنیای اسلام شناسایی شود.

۵. نفت بعنوان بزرگترین منبع تحصیل ارز برای کشورها، اصلیت‌ترین منبع درآمد دولتهای منطقه است، بگونه‌یی که نفت و گاز بتنهایی قریب به ۹۵٪ مجموع نیازهای کشورهای منطقه را تأمین میکنند. از اینرو، باید سیاستهای نفتی هماهنگی با کشورهای منطقه در قبال کشورهای صنعتی، بمنظور افزایش

- دستیابی به نیت و مقاصد کشورهای منطقه  
- ایجاد همکاری منطقه‌یی و ارسال پیامهای همکاری و مصالحه در صورت ضرورت

واقعیت این است که امنیت واقعی منطقه‌یی ایران در خلیج فارس تنها از طریق استفاده از نیروهای نظامی تأمین نمیشود؛ چراکه شرایط کنونی با سالهای گذشته تفاوت قابل ملاحظه‌یی نموده است. با در نظر گرفتن این شرایط، وجود یک برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ و اتخاذ مواضع انعطاف‌پذیر در خصوص کشورهای منطقه، یک ضرورت تلقی میگردد. دلایل عمدهٔ بکارگیری اقدامات اعتمادسازانه در منطقه از سوی ایران را میتوان اینگونه برشمرد:

- ایران کشور قدرتمند و پرنفوذی بوده که از سوی برخی از کشورهای منطقه مورد سوءظن است.

- با توجه به تک‌محصولی بودن ایران، مسئلهٔ امنیت این کشور بمنظور مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی با تأکید بر جنبه‌های علمی و نفی شعار، باید مورد بررسی قرار گیرد. متغیرهای روانی، فرهنگی و محیطی نقش مهمی در تأمین امنیت اقتصادی ایران دارند؛ عواملی همچون سرمایه‌گذاری جدید، بهبود سطح فناوری، توسعهٔ تولید انرژیهای جایگزین نفت، قابل ملاحظه‌اند.

- کاهش درآمدهای نفتی ایران همراه با تغییرات جمعیتی غیرقابل کنترل، بی‌نظمیهای ساختاری ایران را تشدید خواهد نمود و این کشور به همکاری و مشارکت اقتصادی کشورهای همسایه و منطقه نیاز مبرم خواهد داشت (باقری، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

### الگوهای اعتمادسازی در خلیج فارس

۱. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ امنیت
۲. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ صلح
۳. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ تجارت، پول و سرمایه‌گذاری
۴. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ منابع استراتژیک
۵. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ اجتماعی-اقتصادی
۶. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ زیست محیطی
۷. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ نفت
۸. الگوی اعتمادسازی در زمینهٔ دریاها و اقیانوسها



و کنترل قیمت نفت و حفظ میزان آن اتخاذ گردد.

ثالث و یا قدرتهای فرامنطقه‌یی حل نمایند (همانجا).

۶. کاهش بودجه دفاعی کشورها و اساس قرار دادن «دفاع» در تولید و تهیه تجهیزات نظامی و رفع تبلیغات سوء غرب، بویژه آمریکا، و جلب اعتماد دولتهای منطقه خلیج فارس نسبت به یکدیگر.

۱۰. الگوی اعتمادسازی در زمینه صلح - امنیت و مسائل اجتماعی و اقتصادی

۱۱. تشکیل سازمانهای اقتصادی و نظامی منطقه‌یی

۷. اتخاذ تدابیر جدید امنیتی توسط تمام کشورهای منطقه خلیج فارس با تکیه بر اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احساس برابری با همه کشورها و نداشتن تمایل به چیرگی در چارچوب امنیتی جدید؛ همانگونه که گفته شد، امنیت منطقه برای دولتهای منطقه اهمیت حیاتی دارد. در اینباره، باید کمک کرد تا وابستگی نظامی کشورهای منطقه به غرب کاهش یافته و در مقابل، حاکمیت کشورها افزایش یابد.

۱۲. برنامه‌ریزی اصولی در رابطه با خودکفایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و رهایی از اقتصاد تک محصولی (کانون پژوهشهای خلیج فارس).

### نتیجه‌گیری

در چارچوب فرآیند تحولات چشمگیر حوزه امنیت بین‌المللی و منطقه‌یی، منطقه خلیج فارس با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی و استراتژیکی اهمیت روزافزونی یافته و ضمن افزایش نقش آفرینی بازیگران منطقه‌یی، آینده این حوزه بخوبی قابل پیش‌بینی می‌باشد. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که امنیت ملی ایران علاوه بر اینکه از طریق تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی- هویتی، سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی به چالش کشیده می‌شود، تهدیدهای اقتصادی بجهت اهمیت و نفوذ آن در دیگر مؤلفه‌های امنیت ملی، از اهمیت فوق‌العاده و بسزایی برخوردار است. وجود منبع عظیم انرژی چون گاز و نفت به اهمیت این منطقه افزوده است. البته باید این مسئله را فراموش نکرد که اگر کشوری دارای اقتصاد پویا و هدفمند نباشد، میتواند علاوه بر تهدیدات امنیتی، تزلزل پایه‌های اقتصادی کشور، عدم مقبولیت و مشروعیت نظام خود را شاهد باشد. با این حال باید ضمن ایجاد یک مدیریت یکپارچه در جهت ایمن‌سازی، اعتمادسازی و مشارکت جمعی و ضمن ایجاد امنیت پایدار و هدفمند به تبادل آراء پرداخت تا با یک آزاداندیشی مستقل به یک وحدت اصولی و دسته‌جمعی دست یافت و باید تلاش نمود تا اقتصاد کشور را از تک‌محصولی بودن (بطور ویژه نفت) به چند محصولی بودن سوق داد.

۸. گسترش همکاریهای اقتصادی بین کشورهای منطقه و انجام مبادلات پر حجم و سعی در افزایش میزان وابستگی اقتصادی کشورها به همدیگر، چرا که به همان میزان، این وابستگی اقتصادی بر تصمیمات سیاسی تأثیر خواهد گذاشت و کشورهای منطقه را به هم نزدیکتر خواهد کرد و در نهایت، موجب تشنج‌زدایی خواهد شد. همکاری اقتصادی معمولاً از طریق تشکیل اتحادیه‌های مشترک اقتصادی صورت می‌گیرد که پس از اعتمادسازی سیاسی نتیجه می‌دهد. تمام کشورهای منطقه باید در الگوی پیشنهادی اقتصادی، چرخه اقتصادی را از مسائل سیاسی جدا نمایند و به نظام اقتصادی خود سروسامان دهند؛ زیرا تنها در اینصورت است که میتوان از اهداف ملی کشورها پشتیبانی نمود.

۹. حل اختلافات ارضی و مرزی کشورهای منطقه؛ برخی از دولتهای منطقه بخاطر حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، با انگیزه‌های سیاسی تلاش میکنند اختلافات مرزی را بین‌المللی کنند. این ثابت میکند که بهره‌گیری سیاسی از این موضوع بر هر ادعای حقوقی واقعی می‌چربد. کشورهای منطقه باید در قالب سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی، روابط خود را با هم توسعه دهند و مسائل پیش‌آمده را نیز بنحو مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره مستقیم و بدون دخالت کشور

- روشندل، جلیل؛ سیف‌زاده، حسین؛ تعارضات داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی در خلیج فارس، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲.

- فرجی، برات؛ مختاری، حسین؛ «ترتیب‌های امنیتی در منطقه خلیج فارس و فرصت‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره اول، تابستان ۱۳۸۶.

- قاسمی، حاکم؛ سرابی، لیلیا؛ «ترتیب‌های امنیتی مطلوب خلیج فارس از منظر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۳.

- کمپ، جفری؛ هارکاو، رابرت؛ جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

- کوردزمن، آنتونی اچ؛ موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه، ترجمه مجید خسروی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی سپاه پاسداران، ۱۳۸۱.

- متقی، ابراهیم؛ «با ثبات‌سازی منطقه‌یی و اجتماع امنیتی در خلیج فارس»، ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک ([www.did.ir/](http://www.did.ir/)) (document/index\_fa.asp) ۲۲/۰۲/۱۳۸۷.

- مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل؛ ترتیب‌های امنیتی خلیج فارس از منظر بین‌المللی، منطقه‌یی و ملی، گزارش تحلیلی شماره ۹۸، فروردین ۱۳۸۳.

- موسوی، سیدحسین؛ «الگوی امنیت منطقه‌یی در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، ۱۳۸۶.

- نعیمی ارفع، بهمن؛ مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.

- هالیس، رزماری؛ امنیت خلیج فارس، ترجمه حاکم قاسمی، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۲.

#### منابع انگلیسی

- McMillan, Joseph, "Toward a new regional security architecture", *The Washington Quarterly*, Vol. 26, 2003.

- Mohd, Naseem khan, "The US policy Towards the Persian Gulf: continuity and change, Strategic Analysis", vol. 25. no. 2. available at: [www.tandfonline.com](http://www.tandfonline.com), 2001.

- Newsom David, D, *United States Policy toward the Gulf*, ed. R. G. Walf, Washington. D. C, Georgetown University, 1980.

#### منابع فارسی

- ابراهیمی‌فر، طاهره؛ الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.

- اردی مکی‌ن لای، آر لیتل؛ امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ ۱۳۸۱.

- اسپوزیتو، جان ال؛ «اسلام سیاسی و غرب، گفتگوی تمدنها یا برخورد تمدنها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۱۳۶۷.

- اسدیان، امیر؛ سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

- باقری، علی‌اکبر؛ «خلیج فارس، امنیت منطقه‌یی و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجله معرفت، شماره ۱۱۵، ۱۳۸۶.

- بوزان، باری؛ مردم دولتها و هراس، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.

- برزگر، کیهان؛ ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌یی خلیج فارس، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵.

- بیانیه شورای همکاری خلیج فارس در سیزدهمین اجلاس سران، ابوظبی؛ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲ م.

- بلیس، جان؛ امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد، ترجمه حسین مجدی نجم، تهران: سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۹.

- پیری سارمانلو، اژدر؛ «ژئوپولیتیک خلیج فارس: تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه پژوهش ملی، شماره پنجم، ۱۳۹۵.

- خانی، علی عبدالله؛ نظریه‌های امنیت، مقدمه‌یی بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۳.

- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز مطالعات خلیج فارس؛ مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران، ۱۳۸۰.

- ربیعی، علی؛ مطالعات امنیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.